

## بسم الله الرحمن الرحيم

نکاتی از سخن‌رانی پنج‌شنبه، ۱۲ شهریور ۱۳۹۴

### آیه مورد بحث

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ»

#### عدم منافات فطری بودن توحید، با نیازمندی به وجود انبیاء سلام‌الله‌علیهم‌اجمعین

خدای متعال به وسیله‌ی این آیه‌ی شریفه در سوره‌ی مبارکه‌ی تحریم، یک قانون کلی برای پرورش فکری مؤمنین و راه تبلیغ را بیان فرموده است. در این‌جا به دو مطلب باید توجه کرد: مطلب اول این‌که توحید و خداشناسی و وجود حق تعالی یک امر فطری است. نوع انسان‌هایی که روح خود را به آلودگی‌های اخلاقی آلوده نکرده‌اند، اجمالاً می‌توانند به این مرحله از خداشناسی برسند که خالق دارند و خدا وجود دارد.

نکته‌ی دوم که کتب آسمانی بیان‌گر آن است و در ذهن مردم هم وجود دارد، این است که خدای متعال یک‌صدویست‌وچهارهزار پیامبر از سوی خود فرستاده است تا مردم بر طبق آیه‌ی کریمه‌ی قرآن کریم، اوصاف حق تعالی را شناسایی کنند و تکالیف خود را هم به وسیله‌ی این بزرگواران دریافت کنند. فطری بودن توحید منافاتی با نیازمندی به وجود انبیاء ندارد، زیرا دین‌شناسی با فطرت میسر نمی‌شود. با فطرت، خداباوری امکان تحقق دارد، ولی دین‌شناسی، یعنی دین خدای متعال چیست و چه کار باید کرد، با فطرت حاصل نمی‌شود. بنابراین برای دین‌شناسی ما خود را نیازمند به این بزرگواران می‌بینیم.

#### اجباری نبودن دین‌داری با صیانت از احکام منافات ندارد

دین چیزی نیست که مردم را به دین‌داری مجبور کنند. این نکته منافات با صیانت و حفاظت از بعضی احکام ندارد. در عین حال که دین‌دار شدن یک امر جبری نیست، عقل حکم می‌کند آن کسی که مبلغ دین است، حق دارد مردم را از بعضی از کارها باز دارد؛ به عنوان مثال در ماه مبارک رمضان آن‌ها را از روزه‌خواری علنی منع کند. روزه گرفتن عبادتی است که احتیاج به نیت دارد و شامل نخوردن خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها می‌شود. نیت را نمی‌توان به مغز مردم تزریق کرد، ولی می‌توان گفت فردی که مریض است و نمی‌تواند روزه بگیرد، یا نمی‌خواهد روزه بگیرد، برای حفظ حرمت این ماه مبارک در حضور مردم چیزی نخورد و نیاشامد. در روایات هم بسیار آمده است که اگر کسی نماز نمی‌خواند و در نماز جماعت شرکت نمی‌کند، رفتاری هم از خود بروز ندهد که مردم بگویند این شخص منکر نماز جماعت است.

حالت احترام گذاشتن به قانون خدایی، یا غیر خدایی، غیر از اعتقاد به قانون است. ممکن است فردی نخواهد به قانون عمل کند اما حق این‌که علنی قانون‌شکنی کند را ندارد. این مطلب امری فطری است. فطری بودن این امر به این معنی است که مردم غیر لجباز در کشورهای اسلامی، یا افراد لائیک و کسانی که در دین اسلام نیستند، هم آن

پنج‌شنبه، ۱۲ شهریور ۱۳۹۴

را قبول دارند. انسان‌های عاقل که در جامعه هستند می‌پذیرند که قانون‌شکنی یک خلاف‌کاری‌ای است که اهانت به تشکیلات قانونی جامعه و حکومت تلقی می‌شود. این مطلب ربطی به قیامت و آخرت ندارد. در اغلب کشورها خودروها از سمت راست حرکت می‌کنند. اگر یک اتوموبیل برخلاف جهت و از سمت چپ حرکت کند، جلوی او را می‌گیرند. لازم نیست که پلیس این کار را انجام دهد. یک فرد عاقل و هوش‌یار که نمی‌ترسد، جلو می‌آید و خلاف بودن این نوع رانندگی را به او تذکر می‌دهد. هرچند این نوع رانندگی موجب تصادف و کشته شدن کسی هم نشود، اما از این جهت که قانون‌شکنی خلاف است، او را از این کار منع می‌کنند، زیرا در این حد، ممنوعیت و نادرستی آن مشخص است.

### آموزش روش تبلیغ دین توسط حق تعالی

در یک خانواده‌ی پنج-شش نفری یک نفر مدیریت می‌کند که این جامعه‌ی کوچک، زندگی منظمی داشته باشند. هنگامی که انسان عاقل، مدیریت یک نفر از این افراد را پذیرفت، به حکم عقل برنامه‌های این منزل و این زندگی را محترم می‌شمارد و از خلاف خودداری می‌کند. مجتمع‌های مسکونی برای خود ضوابطی درست کرده و آن‌را امضا کرده‌اند. یعنی خود را ملزم به عمل به این ضوابط می‌دانند. به عنوان مثال برای بازی بچه‌ها زمان‌هایی را مشخص می‌کنند که مزاحم استراحت ساکنین نباشند، یا برای نگهداری از حیوان خانگی محدودیت‌هایی را قائل می‌شوند. این حالت انسانی را همه قبول دارند و اگر کسی رعایت نکند، می‌گویند در انسانیت او اخلال وجود دارد.

خدای متعال اراده کرده است که دین خود را به وسیله‌ی انبیاء سلام‌الله‌علیهم‌اجمعین در مردم منتشر کند. برای رسیدن به این هدف روش‌های مختلفی تصور می‌شود. یک روش این است که احکام، اصول، فروع و اخلاقیات را به صورت جزواتی چاپ کنند و درب خانه‌ها بدهند. این روش حداقل موفقیت را دارد. روش دیگر این است که با بلندگو در خیابان‌ها حرکت کنند و احکام، ضوابط عرفی، اخلاقی و شرعی را هر روز بگویند. این شیوه هم انسان ساز و مسلمان درست‌کن نیست و خاصیت ندارد.

هم‌اکنون مشاهده می‌شود، با وجود این که رادیو و تلویزیون و سایر رسانه‌ها، برنامه‌های خود را از برنامه‌های دینی پر کرده‌اند، اثرات آن کم‌تر ظاهر می‌شود. مردم می‌دانند که در رادیوی معارف مطالب دینی قابل استفاده وجود دارد، ولی این موج معارف را با رادیوی خود نمی‌گیرند. کسی هم نمی‌تواند آن‌ها را بازخواست کند، زیرا این مطلب قابل اجبار نیست. اگر بخواهند هر فردی را با سرنیزه انسان کنند که خلاف نکند، باید برای هر یک نفر چهار تا مأمور گذاشت که مراقب او باشند. محال است که یک چنین جامعه‌ای اصلاح شود.

خدای متعال برای دعوت مردم به انسانیت تنها روش ممکن را به انبیاء سلام‌الله‌علیهم‌اجمعین و سایر مبلغین می‌آموزد که با صرف حداقل هزینه، خود مردم این دعوت را بپذیرند و عمل کنند. در روایات ملاحظه می‌شود که حتی امیرالمؤمنین صلوات‌الله‌علیه با وجود عظمت شخصیت آن بزرگوار، در آن مقطع زمانی چهار-پنج سال که اداره جامعه را به عهده داشتند، در رسیدن به اهداف خود به نتیجه‌ی مطلوب نرسیدند. آن حضرت افرادی را که نماز جمعه نمی‌روند را تهدید می‌کند. این‌ها افرادی هستند که عملاً با فرمان امام ابراز مخالفت می‌کنند و با رفتار خود فکر مردم را خراب می‌کنند و به آن‌ها جرأت مخالفت می‌دهند. حضرت تهدید می‌کند که اگر فردی در ابراز مخالفت به این مرحله رسید، مردم بروند و در هفته‌ی سوم درب خانه‌اش را آتش بزنند. این مطلب در کتاب نماز جمعه‌ی وسائل شیخ حر عاملی و در سایر کتاب‌ها آمده است. اما این تهدید اثر نکرده است، زیرا آن فرد مخالف می‌داند امیرالمؤمنین صلوات‌الله‌علیه برای هر یک نفر چهار مأمور ندارد که قادر باشند همه‌ی خانه‌ها را کنترل کنند.

## کم هزینه‌ترین روش تبلیغ، عمل کردن مبلغ به دستورات خود

روش عملی با کم‌ترین هزینه این است که مبلغ و سازنده، اول خودش به آن چه را که می‌خواهد به مردم دستور بدهد عمل کند. حضرت بعد از این که سِمَت ظاهری را قبول فرمود، در اولین خطبه‌ای که برای مردم در بصره خواند این بود که من هر گاه شما را به انجام کاری دعوت کردم، بدانید اول خودم این کار را انجام داده‌ام. اگر آن حضرت خلاف واقع گفته بود، مردم متوجه می‌شدند و اعتراض می‌کردند.

انسان اول باید خود را اصلاح کند، سپس دیگری را نصیحت کند. کسی که سیگار می‌کشد نمی‌تواند دیگری را از این کار نهی کند. تنها راهی که عقل، فطرت و طبیعت می‌پذیرد و احتمال تأثیر آن وجود دارد همین روش است. اثر این روش از خواندن قرآن و روایت بیشتر است، از نوشته و روزنامه و سایر رسانه‌ها بیشتر است. اگر شنونده یقین داشته باشد کسی که در رادیوی معارف نصیحت می‌کند، خودش عمل‌کننده نیست، محال است که آن نصیحت را بپذیرد و عمل کند. شنونده نصیحت، به امید این است که گوینده، عمل‌کننده هم هست. هر فطرتی هم این نکته را می‌پذیرد.

خدای متعال این فرمول را در چند جمله القا فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ»، سپس می‌فرماید: «وَأَهْلِيكُمْ». اگر شما انسان‌های دروغ‌گویی نیستید و ایمان آورده‌اید و باور کرده‌اید که خدای متعال وجود دارد و دینی برای شما درست کرده است، ابتدا باید متوجه شوید که این دین برای خودتان چه احکامی آورده است. اول به احکامی که مربوط به خود شما است عمل کنید، آنگاه به فرزند خود دستور عمل به آن احکام را بدهید، تا موثر واقع شود. اگر اخلاق پدر و مادری بد باشد و الفاظ رکیک از دهان‌شان خارج شود، اگر به فرزند خود که زبان باز کرده بگویند که این حرف‌ها را به زبان نیاور، امکان ندارد که بپذیرد. اگر والدین قصد دارند فرزند خود را انسانی با ادب، مؤمن و متدین تربیت کنند باید این فرزند همان روش را از بزرگ‌تر خود در منزل ببیند و باور کند که آن چه به او می‌گویند مورد اعتقاد و مورد عمل خودشان هم هست.

فرزندان مشرکین به اجبار مشرک نشده بودند، بلکه با دیدن پدر و مادرهای خود که به بت‌ها تعظیم می‌کردند، بت‌پرست شده بودند. به گونه‌ای این عملکرد در ذهن بچه‌ها جا افتاده بود که به پیامبران خدا سلام‌الله‌علیهم‌اجمعین به صراحت می‌گفتند که ما همان راهی را می‌رویم که والدین ما رفتند.

بهترین شیوه، روش و راه برای ساختن طرف مقابل، عملکرد است. نیازی به تقاضا کردن از دوست خود برای خودداری از عمل خلاف نیست، بلکه همان عملکرد صحیح، بالاترین نحوه‌ی تبلیغ است. حضرت صادق صلوات‌الله‌علیه می‌فرماید: "كونوا دُعَاءَ النَّاسِ إِلَى الْخَيْرِ بِغَيْرِ السِّنِّتِكُمْ". اگر می‌خواهید دوست خود را به گونه‌ای بسازید که اطمینان داشته باشید به شما دروغ نمی‌گوید، خودتان هم به او دروغ نگویند. او وقتی متوجه شد که شما انسان راست‌گویی هستید، او هم راست می‌گوید. اگر می‌خواهید اموال شما را سرقت نکنند، خودکار او را هم بدون اجازه برندارید. به تدریج او هم مثل شما می‌شود. اگر می‌خواهید مردم را دعوت به خیر کنید، با زبان دعوت نکنید. "كونوا دُعَاءَ النَّاسِ إِلَى الْخَيْرِ بِغَيْرِ السِّنِّتِكُمْ". "لِيُرَوْا مِنْكُمْ الْوَرَعَ وَالْإِجْتِهَادَ"، برای این که عملکردی از شما ببینند که مطابق با توقع آن‌ها است.

خانواده‌هایی که از اخلاق خوب و فضائل اخلاقی و انسانی بهره‌مند هستند، به دلیل وجود این ویژگی‌ها در پدر و مادر آن‌ها است و مدرسه‌ی ایشان اثر چشمگیری ندارد. این روش بسیار کم‌خرج است و نیاز به مأمور ندارد. اگر همه این‌گونه عمل کنند، به زندان هم نیازی نیست.

پنج‌شنبه، ۱۲ شهریور ۱۳۹۴

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا» یعنی حفظ کنید، «أَنْفُسَكُمْ» یعنی خود را، از خلاف مرتکب شدن، سپس «وَأَهْلِيكُمْ» به خانواده و دوستان خود پردازید. این فرمول به ظاهر کوچک، بزرگ‌ترین فرمول برای ساختن افراد است.

### معصومین صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین، از مصادیق کامل این آیه‌ی کریمه

توقف حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا صلوات‌الله‌علیه در خراسان دو سال بیشتر طول نکشید. حداکثر محدودیت را برای آن بزرگوار درست کرده بودند و ایشان نمی‌توانست چیزی بگوید. به ایشان عرض شد که نماز عید تشریف ببرید. ایشان باید دو نکته را به دیگران بفهماند. اول این‌که نماز عید آن نمازی است که من با شرایط آن می‌خوانم. دوم این‌که هر آن چه غیر از این باطل است.

حضرت به مأمون فرمود که من آن‌طوری که خودم معتقد هستم به نماز می‌روم. مأمون عرض کرد که به هر صورتی که صحیح می‌دانید و عقیده‌ی شما است، بروید. ایشان آماده شد و از منزل خارج شد و با همان شرایطی که در رساله‌ها نوشته شده است به راه افتاد. مردمی که از حکومت می‌ترسیدند و ایمان ایشان ضعیف بود، وقتی که این حال و عملکرد را از حضرت دیدند، فراموش کردند که مأمون حاکم است و هر کاری که بخواهد می‌کند. لذا به دنبال حضرت حرکت کردند.

کتاب عیون اخبار الرضا توسط صدوق نوشته شده و ترجمه فارسی آن هم موجود است. عیون جمع عین و عین به معنی چشم است. یعنی چشم‌های روایات است که حضرت فرموده و دیگر از این‌ها پرارزش‌تر نمی‌شود. سندهای این روایت‌ها هم همه خوب است و با دو یا سه راوی به حضرت می‌رسد و بیش‌تر از این نیست. روایت‌های دیگر که ما از ائمه‌ی طاهرين صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین داریم، بیش از سیزده-چهارده راوی دارد. قهراً در بین این افراد احتمال خطا زیاد می‌شود. اما در این کتاب، روایات دو راوی درجه‌ی یک دارد.

در روایتی از این کتاب آمده است که مأمون از حضرت درخواست کرد که یک خلاصه و مختصری از دین اسلام، اصول و فروع و هر چه در آن وجود دارد، برای او بنویسند. علمای ما می‌گویند مأمون مرد ملایی بوده است، اما نمی‌دانست که این آقا چه قدر بر حق استقامت دارد. حضرت احکام و شرایط حاکم را به صورت کلی نوشته است. با این نوشته حضرت به مأمون می‌فهماند که تو نمی‌توانی حاکم شرع و خلیفه‌ی مسلمین باشی. نتیجه این می‌شود که سرانجام حضرت کشته می‌شود.

ما باید با درخواست کمک و استمداد از حق‌تعالی از این آیه در ادب کردن و ساختن فرزندان و افراد منزل خود استفاده کنیم. «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ». اول کاری کن که خودت از خدا بترسی و خلاف نکنی، آنگاه سراغ افراد دیگر برو.

حضرت به مأمون فرموده بود که در صورت قبول این شرطها، من ولایت‌عهده‌ی را قبول می‌کنم. مأمون نفهمید که با قبول این شرطها او به نظر و به هدف خود نمی‌رسد. مردم خلاف و اشتباه‌های موجود در آن حکومت را به حضرت رضا صلوات‌الله‌علیه نسبت نمی‌دهند، زیرا شرط کرده است که عزل و نصب هیچ کس را به عهده نمی‌گیرد. مأمون مرد زیرکی بود. او می‌دانست که نگاه داشتن این آقا کم‌کم موجب سست شدن ارکان حکومت او خواهد شد، زیرا مردم می‌فهمند که حق کجا است. لذا او تصور کرد که اگر این آقا را شهید کند، خلافت و حکومت او باقی می‌ماند. غافل از این‌که این جنایت هم او را رسوا خواهد کرد.